

**قانون موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری چک
به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی
در مورد مالیات‌های بر درآمد و تشریفات (پروتکل) اضافی آن**

ماده واحده - موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری چک به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیات‌های بر درآمد و تشریفات (پروتکل) اضافی آن، مشتمل بر یک مقدمه و بیست و هفت ماده به شرح پیوست تصویب و اجازه مبادله استوار گن داده می‌شود.
تبصره - هزینه‌های مالی موضوع بند (۴) ماده (۱۱) موافقتنامه، مجوز کسب درآمد غیر قانونی از جمله ربا محسوب نمی‌شود.

بسم الله الرحمن الرحیم

**موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری چک به منظور
اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی
در مورد مالیات‌های بر درآمد**

با تمایل به ایجاد موافقتنامه‌ای به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیات‌های بر درآمد، به شرح زیر توافق نمودند:
ماده ۱ - اشخاص مشمول موافقتنامه

این موافقتنامه ناظر بر اشخاصی است که مقیم یکی از دولتهای متعهد یا هر دو آنها باشند.

ماده ۲ - مالیات‌های موضوع موافقتنامه

- ۱ - این موافقتنامه شامل مالیات‌های بر درآمد است که صرفاً نظر از نحوه اخذ آنها از سوی یک دولت متعهد یا تقسیمات ذریعی مالی یا مقامات محلی آن وضع می‌گردد.
- ۲ - مالیات‌های بر درآمد عبارت است از کل مالیات‌های بر کل درآمد یا بر اجزای درآمد، از جمله مالیات‌های بر عوارض حاصل از نقل و انتقال اموال مشمول یا غیر مشمول مالیات‌های بر کل درآمد مستمور با حقوق پرداختی توسط مؤسسات و همچنین مالیات بر افزایش ارزش سرمایه.

۲- مالیات‌های موجود مشمول این موافقتنامه به‌ویژه عبارتند از:

الف: در مورد جمهوری اسلامی ایران:

- مالیات بر درآمد

ب: در مورد جمهوری چک:

- مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی و

- مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی

۱- این موافقتنامه شامل مالیات‌هایی که نظیر یا در اساس مشابه مالیات‌های موجود بوده و بعد از تاریخ امضای این موافقتنامه به آنها اضافه یا به جای آنها وضع شود نیز خواهد بود. مقامات صلاحیت‌دار دولتهای متعاقد، یکدیگر را از هر تغییر مهمی که در قوانین مالیاتی مربوط به آنها حاصل شده مطلع خواهند نمود.

ماده ۳- تعاریف کلی

۱- از لحاظ این موافقتنامه، جز در مواردی که سیاق عبارت مفهوم دیگری را اقتضا

نماید:

الف:

(۱) جمهوری اسلامی ایران به مناطق تحت حاکمیت و یا صلاحیت جمهوری

اسلامی ایران اطلاق می‌شود.

(۲) جمهوری چک به سرزمین جمهوری چک اطلاق می‌شود که نسبت به آن

حقوق حاکمیتی جمهوری چک به موجب قوانین چک و طبق حقوق بین‌الملل اعمال می‌شود.

ب: اصطلاح «یک دولت متعاقد» و «دولت متعاقد دیگر» حسب مورد، به جمهوری

اسلامی ایران یا جمهوری چک اطلاق می‌شود.

پ: اصطلاح «اشخاص» اطلاق می‌شود به اشخاص حقیقی، شرکت و هر مجموعه

دیگری از افراد

ث: اصطلاح «شرکت» اطلاق می‌شود به هر شخص حقوقی یا هر واحدی که از لحاظ

مالیاتی به عنوان شخص حقوقی محسوب می‌شود.

ج: اصطلاح «مؤسسه» در مورد انجام هرگونه کسب و کار اعمال می‌شود.

چ: اصطلاح «کسب و کار» شامل انجام خدمات حرفه‌ای و سایر فعالیت‌های دارای

مالیت مستقل نیز می‌شود.

ج: اصطلاحات مؤسسه یک دولت متعاهد و مؤسسه دولت متعاهد دیگر به ترتیب به مؤسسه‌ای که به وسیله مقیم یک دولت متعاهد و مؤسسه‌ای که به وسیله مقیم دولت متعاهد دیگر اداره می‌گردد اطلاق می‌شود.

ج: اصطلاح «تیم» اطلاق می‌شود به:

- (۱) هر شخص حقیقی که تابعیت یک دولت متعاهد را دارا باشد؛
- (۲) هر شخص حقوقی، شراکت یا انجمنی که این وضعیت خود را از قوانین جاری در یک دولت متعاهد کسب کرده باشد.

ج: اصطلاح «حمل و نقل بین‌المللی» به هرگونه حمل و نقل توسط کشتی، وسط نقلیه هوایی یا جاده‌ای یا ریلی اطلاق می‌شود که توسط مؤسسه یک دولت متعاهد انجام می‌شود، به استثنای مولودی که کشتی، وسط نقلیه هوایی یا جاده‌ای یا ریلی صرفاً برای حمل و نقل بین نقاط واقع در دولت متعاهد دیگر استفاده شود.

ج: اصطلاح «مقام صلاحیتدار»:

- (۱) در مورد جمهوری اسلامی ایران به وزیر امور اقتصادی و دارایی یا نماینده مجاز او اطلاق می‌شود.

(۲) در مورد جمهوری چک، به وزیر دارایی یا نماینده مجاز وی اطلاق می‌شود.

۲- در اجرای این موافقتنامه در هر زمانی توسط یک دولت متعاهد، هر اصطلاحی که تعریف نشده باشد دارای معنای به‌کار رفته در قوانین آن دولت راجع به مالیات‌های موضوع این موافقتنامه در آن زمان است، به‌جز مواردی که اختصای مالیات عبارت به گونه‌ای دیگر باشد و هرگونه معنایی به موجب قوانین مالیاتی قابل اعمال آن دولت نسبت به معنای ارائه‌شده برای اصطلاح مزبور به‌مراتب سایر قوانین آن دولت تقدم خواهد داشت.

ماده ۴- مقیم

۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح «مقیم یک دولت متعاهد» به هر شخصی اطلاق می‌شود که به‌موجب قوانین آن دولت، به‌لحاظ محل سکونت، فعالیتگاه، محل مدیریت مؤثر، محل ثبت، محل تأسیس یا به‌جهت مشابه دیگر مشمول مالیات آن دولت باشد و همچنین این اصطلاح شامل آن دولت و هرگونه تشیعات فرضی سیاسی یا مقام محلی آن نخواهد بود. با وجود این، اصطلاح مزبور شامل شخصی نخواهد بود که صرفاً به‌لحاظ کسب درآمد از منابع واقع در آن دولت مشمول مالیات آن دولت می‌شود.

۲- در صورتی که حسب مقررات بند (۱) شخص حقیقی، ملزم هر دو دولت متعاقد باشد، وضعیت او به شرح زیر تعیین خواهد شد:

الف- اگر صرفاً ملزم دولتی تلقی خواهد شد که در آن محل سکونت دائمی در اختیار دارد؛ اگر او در هر دو دولت محل سکونت دائمی در اختیار داشته باشد، صرفاً ملزم دولتی تلقی خواهد شد که در آن حلقه شخصی و اقتصادی بیشتری دارد (مركز منافع حیاتی).
ب- هرگاه نتوان دولتی را که وی در آن مركز منافع حیاتی دارد تعیین کرد، یا چنانچه او در هیچک از دو دولت محل سکونت دائمی در اختیار نداشته باشد، صرفاً ملزم دولتی تلقی خواهد شد که معمولاً در آنجا بهسر میبرد.

ب- هرگاه او معمولاً در هر دو دولت به سربرد یا در هیچک به سر نبرد، صرفاً ملزم دولتی تلقی می شود که تابعیت آنها دارد.

د- هرگاه او تابعیت هر دو دولت را داشته باشد یا تابعیت هیچک از آنها را نداشته باشد، موضوع با توافق مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد حل و فصل خواهد شد.

۳- در صورتی که بموجب ماده بند (۱) شخصی غیر از شخص حقیقی، ملزم هر دو دولت متعاقد باشد، آن شخص صرفاً ملزم دولتی تلقی خواهد شد که محل مدیریت منزلت مؤسسه وی در آن واقع است.

ماده ۵- مقر دائم

۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح «مقر دائم» به محل ثبت کسب و کار اطلاق می شود که از طریق آن کسب و کار مؤسسه کلاً یا جزاً انجام می شود.

۲- اصطلاح «مقر دائم» بهرزه شامل موارد زیر است:

الف- محل اداره

ب- شعبه

پ- دفتر

ت- کارخانه

ث- کارگاه و

ج- معدن، بجه لغت یا کار معدن سنگ یا هر محل دیگر اکتشاف یا استخراج از منابع

طبیعی

۳- اصطلاح دفتر دایم همچنین شامل موارد زیر می‌شود:

الف: کارگاه ساختمانی یا پروژه ساخته سوار کردن یا نصب ساختمان یا فعالیت‌های مربوط به سرپرستی و نظارت مرتبط با آن، ولی فقط در صورتی که این کارگاه، پروژه یا فعالیت‌ها پیش از تولد، ماه استقرار یا ادامه داشته باشند.

ب: ارائه خدمات، از جمله خدمات مشاوره‌ای یا مدیریت، توسط مؤسسه یک دولت متعاقد یا از طریق کارکنان یا دیگر مستخدمین به کارگزار شده توسط مؤسسه برای این منظور، اما صرفاً در صورتی که فعالیت‌های دارای ماهیت مزبور در قلمروی دولت متعاقد دیگر طی دوره یا دوره‌هایی ادامه یابد که در مجموع از شش ماه در هر دوره حواله‌نامه تجاوز نکند.

۱- علیرغم مقررات قبلی این ماده، اصطلاح دفتر دایم شامل موارد زیر نخواهد بود:
الف: استفاده از تسهیلات، صرفاً به منظور آیار کردن یا نمایش اجناس یا کالاهای متعلق

به مؤسسه

ب: نگهداری کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه صرفاً به منظور آیار کردن یا نمایش
پ: نگهداری کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه صرفاً به منظور فرآوری آنها توسط مؤسسه دیگر

ت: نگهداری محل ثبت کسب و کار صرفاً به منظور خرید کالاها یا اجناس یا گردآوری اطلاعات برای آن مؤسسه

ث: نگهداری محل ثبت کسب و کار صرفاً به منظور انجام سایر فعالیت‌هایی که برای آن مؤسسه دارای جنبه آمادگی یا کمکی باشد.

ج: نگهداری محل ثبت کسب و کار صرفاً به منظور ترکیبی از فعالیت‌های مذکور در جزءهای (الف) تا (ث)، به شرط آنکه فعالیت کلی محل ثبت کسب و کار حاصل از این ترکیب، دارای جنبه آمادگی یا کمکی باشد.

۵- علیرغم مقررات بندهای (۱) و (۲)، در صورتی که شخصی (غیر از حامی که دارای وضعیت مستقل بوده و مشمول بند (۶) است) در یک دولت متعاقد از طرف مؤسسه‌ای فعالیت کند و دارای اختیار انعقاد قرارداد به نام آن مؤسسه باشد و اختیار مزبور را به طور معمول اعمال کند، آن مؤسسه در مورد فعالیت‌هایی که این شخص برای آن انجام می‌دهد، در آن دولت دارای مقر دائم تلقی خواهد شد مگر آنکه فعالیت‌های شخص مزبور محدود به موارد مذکور در بند (۱) باشد که در این صورت آن فعالیت‌ها چنانچه از طریق

محل ثبت کسب و کار غیر انجام گیرند به موجب مقررات بند مذکور، این محل ثبت کسب و کار را به مقر دائم تبدیل نخواهد کرد.

۶- مؤسسه یک دولت متعاهد صرفاً به سبب آنکه در دولت متعاهد دیگر از طریق حق العمل کار، دلال یا هر عامل مستقل دیگری به انجام امور می‌پردازد، در آن دولت دیگر دارای مقر دائم تلقی نخواهد شد. مشروط بر آنکه عملیات تشخیص مزبور در جریان عاملی کسب و کار آنان صورت گیرد. مع آنکه هرگاه فعالیت‌های چنین عاملی به‌طور کامل یا تقریباً کامل به آن مؤسسه تخصیص یافته باشد و شرایط ایجاد یا وضع شده بین آن مؤسسه و عامل در روابط تجاری و مالی خود با شرایط موجود بین مؤسسات مستقل تفاوت داشته باشد، وی به موجب این بند، عامل دارای وضعیت مستقل قلمداد نخواهد شد.

۷- صرف اینکه شرکت مقیم یک دولت متعاهده شرکت مقیم در دولت متعاهد دیگر را کنترل می‌کند یا تحت کنترل آن قرار دارد یا در آن دولت دیگر فعالیت تجاری انجام می‌دهد (خواه از طریق مقر دائم و خواه به نحو دیگر) به خودی خود برای اینکه یکی از آنها مقر دائم دیگری محسوب شود، کافی نخواهد بود.

ماده ۶- درآمد حاصل از اموال غیرمستقل

۱- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد از اموال غیرمستقل واقع در دولت متعاهد دیگر (از جمله درآمد حاصل از کشاورزی یا جنگلداری) مشمول مالیات آن دولت دیگر خواهد بود.

۲- اصطلاح اموال غیرمستقل دولتی همان تعریفی است که در قوانین دولت معاهدی که اموال مزبور در آن قرار دارد آمده است. این اصطلاح به‌مرحله شامل ملحقات مربوط به اموال غیرمستقل احشام و اسباب و اثاث مورد استفاده در کشاورزی و جنگلداری، حقوقی که مقررات قانون عام راجع به ملکیت اراضی در مورد آنها اعمال می‌گردد، حق انتفاع از اموال غیرمستقل و حقوق مربوط به پرفیوضهای ثابت یا متغیر در لای کار یا حق انجام کار دشوار معدنی، سرچشمه‌ها و سایر منابع طبیعی از جمله نفت و گاز خواهد بود. کشتی‌ها، قایق‌ها و وسائط نقلیه هوایی به‌عنوان اموال غیرمستقل محسوب نخواهند شد.

۳- مقررات بند (۱) نسبت به درآمد حاصل از استفاده مستقیم، اجاره یا هر شکل دیگر استفاده از اموال غیرمستقل جاری خواهد بود.

۴- مقررات بندهای (۱) و (۳) در مورد درآمد ناشی از اموال غیرمستقل مؤسسه نیز جاری خواهد شد.

ماده ۷- درآمد های تجاری

۱- درآمد مؤسسه یک دولت متعاقد فقط مشمول مالیات همان دولت خواهد بود مگر اینکه این مؤسسه از طریق مقر دائم واقع در دولت متعاقد دیگر امور تجاری خود را انجام دهد. چنانچه مؤسسه از طریق مزبور به کسب و کار بپردازد درآمد آن مؤسسه فقط تا حدودی که مرتبط با مقر دائم مذکور باشد می تواند مشمول مالیات دولت دیگر شود.

۲- با رعایت مقررات بند (۳)، در صورتی که مؤسسه یک دولت متعاقد از طریق مقر دائم واقع در دولت متعاقد دیگر امور تجاری خود را انجام دهد، آن مقر دائم در مرز یک از دو دولت متعاقد دارای درآمدی نمی شود که اگر به صورت مؤسسه های متغیر و مجزا و کاملاً مستقل از مؤسسه ای که مقر دائم آن است به فعالیت های نظیر یا مشابه در شرایط نظیر یا مشابه اشتغال داشت، می توانست تحصیل کند.

۳- در تعیین درآمد مقر دائم، هزینه های قابل قبول که برای مقاصد آن مقر دائم تخصیص یافته باشند از جمله هزینه های اجرائی و هزینه های عمومی اداری که بدین شکل انجام شده است کسر خواهد شد، اعم از آنکه در دولتی که مقر دائم در آن واقع شده است، انجام پذیرد، یا در جای دیگر.

۴- چنانچه در یک دولت متعاقد روش متعارف برای تعیین درآمد قابل تخصیص به مقر دائم بر اساس تسهیم کل درآمد مؤسسه به بخش های مختلف آن باشد مقررات بند (۲) مانع به کار بردن روش تسهیمی متعارف آن دولت متعاقد برای تعیین درآمد مشمول مالیات نخواهد شد تا هر حال نتیجه روش تسهیمی متغیر با اصول این ماده تطابق داشته باشد.

۵- صرف آنکه مقر دائم برای مؤسسه جنسی یا کالا خریداری می کند، موجب منظور داشتن درآمد برای آن مقر دائم نخواهد بود.

۶- از نظر بندهای پیشین، درآمد منظور شده برای مقر دائم سابقه سال به روش یکسان تعیین خواهد شد، مگر آنکه طبق مناسب و کافی برای اعمال روش دیگر وجود داشته باشد.

۷- در صورتی که درآمد شامل قلمی از درآمد باشد که طبق سایر مواد این موافقتنامه حکم جداگانه ای دارد، مواد این ماده عذبه ای به مقررات آن مواد وارد نخواهد آورد.

ماده ۸- حمل و نقل بین المللی

۱- درآمد حاصل توسط مؤسسه یک دولت متعاقد بابت استفاده از کشتی ها، وسائط نقلیه هوایی یا وسائط نقلیه جاده ای یا ریلی در حمل و نقل بین المللی فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

۲- مقررات بند (۱) همچنین نسبت به درآمدهای حاصل از مشارکت در تأسیسات، تجزیهات مشترک یا نمایندگیهای فعالیتهای بینالمللی نیز نافذ خواهد بود اما فقط به آن قسمت از منافع حاصل که قابل تخصیص به شریک به نسبت قدرالسهم در فعالیتهای مشترک باشد.

ماده ۹- مؤسسات شریک

۱- در صورتی که

اقتصاد مؤسسه یک دولت متعاقد بهطور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه دولت متعاقد دیگر مشارکت داشته باشد، یا
بذل شخص خاصی واحد بهطور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه یک دولت متعاقد و مؤسسه دولت متعاقد دیگر مشارکت داشته باشند،
و شرایط مورد توافق یا مقرر در روابط تجاری یا مالی بین این دو مؤسسه، متفاوت از شرایطی باشد که بین مؤسسات مستقل برقرار است، در آن صورت هرگونه درآمدی که باید هائیک یکی از این مؤسسات می شود، ولی بهعلت آن شرایط، انعقاد نشده است می تواند جزء درآمد آن مؤسسه منظور شده و مشمول مالیات متعلقه شود.

۲- در صورتی که یک دولت متعاقد درآمدهایی که در دولت متعاقد دیگر بابت آنها از مؤسسه آن دولت دیگر مالیات اخذ شده، جزء درآمدهای مؤسسه خود منظور و آنها را مشمول مالیات کند و درآمد مزبور درآمدی باشد که چنانچه شرایط حاکم بین دو مؤسسه، همان شرایط برقرار بین مؤسسات مستقل بود، عائد مؤسسه دولت نخست می شد، در این صورت آن دولت دیگر در میزان مالیات متعلقه بر آن درآمد، تعاملی مناسبتی بعمل نخواهد آورد در تعیین چنین تعدیلاتی سایر مقررات این موافقتنامه باید لحاظ شود و مقامات صلاحیتدار در دولت متعاقد در صورت لزوم با یکدیگر مشورت خواهند کرد.

۳- مقررات بند (۲) نسبت به تقلب، تقصیر سنگین یا تقصیر عمدی جاری نخواهد بود.

ماده ۱۰- سود سهام

۱- سود سهام پرداختی توسط شرکت مقیم یک دولت متعاقد به مقیم دولت متعاقد دیگر می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- معافیت این سود سهام ممکن است در دولت متعاقدی که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود ولی در صورتی که

مالک منافع سود سهام، مقیم دولت متعاقد دیگر باشد، مالیات متعلقه از پنج درصد (۵٪) منافع ناخالص سود سهام تجاوز نخواهد کرد.
مقدمات اصلاحیه در قوانین متعاقد از طریق توافقی دوجانبه، روشی اعمال این محدودیت را معین خواهد کرد.
این بند تغییری بر مالیات شرکتی که از محل درآمد آن سود سهام مزبور پرداخت می‌شود نخواهد داشت.

۳- اصطلاح سود سهام به گونه مورد استفاده در این ماده اطلاق می‌شود به درآمد حاصل از سهام، سهام منافع یا حقوق سهام منافع، سهام مؤسسان یا سایر حقوق بهیشتای مطالبات بابت مشارکت در منافع و نیز سایر درآمدهایی که طبق قوانین دولت محل قیامت شرکت تقسیم‌گشته یا پرداخت‌گشته درآمد مشمول همان رفتار مالیاتی است که در مورد درآمد حاصل از سهام اعمال می‌گردد.

۴- هرگاه مالک منافع سود سهام، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که شرکت پرداخت‌کننده سود سهام مقیم آن است، از طریق مقر دائم واقع در آن به فعالیت کسب و کار بپردازد و سهامی که از بابت آن سود سهام پرداخت می‌شود به‌طور مؤثر مرتبط با این مقر دائم باشد مقررات بندهای (۱) و (۲) جاری نخواهد بود. در این صورت، مقررات ماده (۷) مجری خواهد بود.

۵- در صورتی که شرکت مقیم یک دولت متعاقد، منافع یا درآمدی از دولت متعاقد دیگر تحصیل کند، آن دولت متعاقد دیگر هیچ نوع مالیاتی بر سود سهام پرداختنی توسط این شرکت وضع نخواهد کرد (به غیر از مواقعی که این سود سهام به مقیم آن دولت متعاقد دیگر پرداخت شود یا مواقعی که سهامی که بابت آن سود سهام پرداخت می‌شود به‌طور مؤثر مرتبط با مقر دائم واقع در آن دولت دیگر باشد) و منافع تقسیم‌نشده شرکت را نیز مشمول مالیات نخواهد کرد، حتی اگر سود سهام پرداختنی یا منافع تقسیم‌نشده کلاً یا جزاً از منافع یا درآمد حاصل در آن دولت دیگر تشکیل شود.

ماده ۱۱- هزینه‌های مالی

۱- هزینه‌های مالی حاصل در یک دولت متعاقد و پرداختنی به مقیم دولت متعاقد دیگر، مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- مع‌الذکر، این هزینه‌های مالی ممکن است در دولت متعاقدی که حاصل شده و طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی به‌عنوان مالک منافع هزینه‌های مالی، مقیم دولت

متعاقد دیگر باشد، مالیات متعلقه از پنج درصد (۵٪) مبلغ ناخالص هزینه‌های مالی تجاوز نخواهد کرد.

۲- صرف‌نظر از مقررات بند (۲)، هزینه‌های مالی حاصل در یک دولت متعاقد که به مقیم دولت متعاقد دیگر پرداخت شده که مالک منابع آن هست تنها در دولت دیگر مشمول مالیات خواهد بود مشروط به آنکه چنین هزینه مالی در مولد زیر پرداخت شده باشد.

الف: در ارتباط با فروش اعتباری هرگونه کالا یا تجهیزات؛

ب: نسبت به هرگونه وام یا اعتباری از هر نوع که توسط بانک اعطاء شده باشد؛

پ: به دولت متعاقد دیگر، از جمله هرگونه تقسیمات فرعی سیاسی یا مقام محلی آن بانک مرکزی یا هرگونه مؤسسه مالی تحت مالکیت یا کنترل آن دولت؛

ت: به مقیم دولت دیگر در ارتباط با هرگونه وام یا اعتبار تحت ضمانت دولت دیگر، از جمله هرگونه تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلی آن، بانک مرکزی یا هرگونه مؤسسه مالی تحت مالکیت یا کنترل آن دولت؛

مقتضات صلاحیت‌های دولتی متعاقد به موجب توافق دو جانبه روش اعمال مطبوعیت‌های مذکور در بندهای (۲) و (۳) را تعیین خواهند کرد.

۳- اصطلاح هزینه‌های مالی، به نحوی که در این ماده به کار رفته است به درآمد ناشی از هر نوع مطالبات دینی اعم از آنکه دارای وثیقه و یا متضمن حق مشارکت در منافع یا همکاری باشد یا نباشد و به خصوص درآمد ناشی از اوراق بهادار دولتی و درآمد ناشی از اوراق قرضه یا سهام قرضه شامل حق بیمه و جرایز متعلق به اوراق بهادار، اوراق قرضه یا سهام قرضه مزبور الحاق می‌گردد. جریمه‌های تأخیر تأدیه از لحاظ این ماده هزینه‌های مالی محسوب نخواهد شد. اصطلاح هزینه‌های مالی شامل هرگونه قرضه درآمدی که به موجب مقررات بند (۳) ماده (۱۰) سود سهام تلقی می‌گردد، نخواهد شد.

۴- هرگاه مالک منابع هزینه‌های مالی، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگری که هزینه‌های مالی در آنجا حاصل شده از طریق مفرد یا وافی در آن فعالیت کسب و کار داشته باشد و مطالبات دینی که هزینه‌های مالی از بابت آن پرداخت می‌شود به طور مؤثر مربوط به این مفرد یا وافی باشد، مقررات بندهای (۲)، (۳) و (۴) اعمال نخواهد شد. در این صورت مقررات ماده (۷) جاری خواهد بود.

۵- هزینه‌های مالی در صورتی حاصل شده در یک دولت متعاقد تلقی خواهد گردید که پرداخت کننده مقیم آن دولت باشد. مع ذلک، در صورتی که شخص پرداخت کننده هزینه‌های مالی، خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد در یک دولت متعاقد دارای مقرراتی باشد

که در ارتباط با آن دینی ایجاد شده است که هزینه‌های مالی بابت آن پرداخت می‌شود و پرداخت این هزینه‌های مالی بر عهده آن مترداتم باشد در این صورت چنین تلقی خواهد شد که هزینه‌های مالی مذکور، در دولت محل وقوع مقر دهم حاصل شده است.

۷- در صورتی که به دلیل وجود رابطه خاص بین پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها و شخص دیگری به مبلغ هزینه‌های مالی که در مورد مطالبات دینی پرداخت می‌شود از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق می‌شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر اعمال خواهد شد در این مورد قسمت مزایای پرداختی، طبق قوانین هر یک از دولتهای متعاقد و با در نظر گرفتن مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات خواهد بود.

ماده ۱۲- حق لامتیازها

۱- حق لامتیازهای حاصله در یک دولت متعاقد و پرداختی به مقیم دولت متعاقد دیگر، مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- معذکله این حق لامتیازها ممکن است در دولت متعاهدی که حاصل شده طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود ولی چنانچه مالک منافع حق لامتیاز، مقیم دولت متعاقد دیگر باشد، مالیات متعلقه بیش از هشتاد و هشت درصد (۸۸٪) مبلغ تاخلف حق لامتیاز نخواهد بود.

مقامات صلاحیتدار دولتهای متعاقد به موجب توافق فوقالذکر، روش اعمال این محدودیت را تعیین خواهند کرد.

۳- اصطلاح «حق لامتیاز» در این ماده به هر نوع وجوه دولتی شده در ازای استفاده یا حق استفاده از هر نوع حق نسخبرداری آثار ادبی، هنری یا علمی از جمله فیلمهای سینمایی و نورهای پخش رادیویی و تلویزیونی، هرگونه حق اختراع، علامت تجاری، طرح یا نمونه، نقشه، فرمول یا فرآیند سری، یا برای اختراعات مربوط به تجهیزات صنعتی، یازرگانی یا علمی یا استفاده یا حق استفاده از تجهیزات صنعتی، یازرگانی یا علمی اطلاق می‌شود.

۴- هرگاه مالک منافع حق لامتیاز، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که حق لامتیاز حاصل می‌شود از طریق مقر دهم واقع دو آن فعالیت کسب و کار داشته باشد و حق یا حقوقی که حق لامتیاز نسبت به آنها پرداخت می‌شود به طور مؤثری با این مقر دهم ارتباط داشته باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) اعمال نخواهد شد. در این صورت مقررات ماده (۷) معبر خواهد بود.

۵- حق الامتياز در يك دولت متعاقد در صورتی حاصل شده تلقی خواهد شد كه پرداخت كننده مقیم آن دولت باشد مع ذلك در صورتی كه شخص پرداخت كننده حق الامتياز عوامه ملیم يك دولت متعاقد باشد یا نباشد در يك دولت متعاقد دارای مقر دائمی باشد كه مسؤولیت پرداخت حق الامتياز در ارتباط با آن ایجاد شده و پرداخت حق الامتياز بر عهده مقر دائم مذکور باشد حق الامتياز در دولتی حاصل شده تلقی خواهد شد كه مقر دائم مزبور در آن واقع است.

۶- چنانچه به سبب وجود رابطه ای خاص میان پرداخت كننده و مالك منافع یا بین هر دو آنها با شخص دیگری مبلغ حق الامتياز كه با در نظر گرفتن استفاده حق با اطلاعاتی كه بابت آنها حق الامتياز پرداخت می شود از حیطی كه در صورت علم وجود چنین ارتباطی بین پرداخت كننده و مالك منافع توافق می شد بیشتر باشد مقررات پس صافه فقط نسبت به مبلغ اخیر الذكر مجری خواهد بود در اینگونه موارد قسمت سازاد پرداخت منافی قوانین هر يك از دولتهای متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات بانی خواهد ماند.

ماده ۱۲- عراید سرمایه ای

۱- عراید حاصل توسط مقیم يك دولت متعاقد از قتل و انتقال اموال غیر منقول مذکور در ماده (۲) كه در دولت متعاقد دیگر قرار دارند می تواند مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر شود.

۲- عراید ناشی از قتل و انتقال اموال منقولی كه بخشی از وسایلی كسب و كافر مقر دائم مؤسسه يك دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر می باشد از جمله عراید ناشی از نقل و انتقال مقر دائم (به تنهایی یا همراه با كل مؤسسه) می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۳- عراید حاصل توسط مؤسسه يك دولت متعاقد از قتل و انتقال كشتی ها، وسائط نقلیه هوایی یا جاده ای یا ریلی مورد استفاده در حمل و نقل بین المللی یا اموال منقول مرتبط با استفاده از این كشتی ها، وسائط نقلیه، هوایی یا جاده ای یا ریلی فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

۴- عراید حاصل توسط مقیم يك دولت متعاقد از قتل و انتقال سهام یا سایر منافع در شركتی كه مقیم دولت متعاقد دیگر است می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۵- عراید ناشی از قتل و انتقال هر مالی بغیر از مولد مذکور در بندهای (۱)، (۲)، (۳) و (۴) فقط مشمول مالیات دولت متاعده ای كه انتقال دهنده مقیم آن است خواهد بود.

ماده ۱۴- درآمد حاصل از استغلام

۱- با رعایت مقررات مواد (۱۵) (۱۶) (۱۷) (۱۸)، حقوقی مرد و سایر حق الزحمه های مشابهی که ملایم یک دولت متعاهد بابت استغلام دریافت می شود فقط مشمول مالیات همان دولت می باشد مگر آنکه اشتغال در دولت متعاهد دیگر انجام شود که در این صورت حق الزحمه حاصل از آن می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- علیرغم مقررات بند (۱)، حق الزحمه ملایم یک دولت متعاهد بابت استغلامی که در دولت متعاهد دیگر انجام شده فقط مشمول مالیات دولت نخست خواهد بود مشروط بر آنکه کلیه شرایط زیر محقق شده باشد:

الف- جمع مدتی که در وقت گذشتن در یک یا چند دوره در دولت دیگر در استغلام بوده است از یکصد و هشتاد و سه روز در هر دوره دوازده ماهی که در سال مالی مربوط شروع یا خاتمه می یابد تجاوز نکند و

ب- حق الزحمه توسط یا از طرف کارفرمایی که ملایم دولت دیگر نیست پرداخت شود و

پد پرداخت حق الزحمه بر عهده مقرر دائمی نباشد که کارفرما در دولت دیگر دارد.

۳- دو محاسبه دوره های مذکور در جزء (الف) بند (۲) و روزهای زیر محاسبه خواهد شد:

الف- تمامی روزهای حضور فیزیکی از جمله روزهای ورود و مزیت و

ب- روزهایی که خارج از دولت محل فعالیت گذرانده شده است. مثل تعطیلات آخر

هفته، تعطیلات ملی، تعطیلات رسمی و سفرهای شغل مرتبط یا استغلام در حالت گذشتن در آن دولت که پس از آن فعالیت در قلمروی آن دولت از سر گرفته شده است.

۴- اصطلاح کارفرما مذکور در جزء (ب) بند (۲) به معنای شخصی است که نسبت به کار تولیدی مسئول بوده و مسئولیت و خطر مرتبط با انجام کار را بر عهده دارد.

۵- علیرغم مقررات یاد شده در این ماده، حق الزحمه حاصل بابت اشتغال در کشوری و مناطق قلبه هوابی یا جاده ای یا ویلی مورد استفاده در حمل و نقل بین المللی توسط مؤسسه یک دولت متعاهد فقط مشمول مالیات آن دولت متعاهد خواهد بود.

ماده ۱۵ - حق الزحمه مدیران

حق الزحمه مدیران و پرداخت‌های مشابه دیگری که مقیم یک دولت متعاقد به لحاظ سمت خود به عنوان عضو هیأت مدیره یا هر گونه وکن صلاحیت‌ها مشابه شرکت مقیم دولت متعاقد دیگر تحصیل می‌نمایند، می‌تواند مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر شود.

ماده ۱۶ - هنرمندان و ورزشکاران

۱- درآمدی که مقیم یک دولت متعاقد به عنوان هنرمند از قبیل هنرمند تئاتر، سینما، رادیو یا تلویزیون یا موسیقیدان یا به عنوان ورزشکار بابت فعالیت‌های شخصی خود در دولت متعاقد دیگر حاصل می‌تواند، علی‌رغم مقررات مواد (۷) و (۱۴) می‌تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- در صورتی که درآمد مربوط به فعالیت‌های شخصی هنرمند یا ورزشکار در سمت خود به آن هنرمند یا ورزشکار تعلق نگرفته و حاکم شخص دیگری شود، آن درآمد علی‌رغم مقررات مواد (۷) و (۱۴) می‌تواند مشمول مالیات دولت متعاقبی شود که فعالیت‌های هنرمند یا ورزشکار در آن انجام می‌گردد.

ماده ۱۷ - حقوق بازنشستگی

با وراثت مفاد بند (۲) ماده (۱۸)، حقوق بازنشستگی و سایر وجوه مشابه پرداختی به مقیم یک دولت متعاقد به‌عنوان خدمات گذشت فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

ماده ۱۸ - خدمات دولتی

۱-

الف- حقوق، دستمزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه پرداختی توسط یک دولت متعاقد یا تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلی آن به شخص حقیقی بابت خدمات انجام‌شده برای آن دولت یا تقسیم فرعی یا مقام فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

ب- به‌علاوه این حقوق، دستمزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه فقط مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر خواهد بود، مشروط بر آنکه خدمات در آن دولت و توسط شخص حقیقی مقیم آن دولت انجام شود که:

- تابع آن دولت بوده یا

- صرفاً برای ارائه خدمات مزبور، مقیم آن دولت نشده باشد.

۲-

الف- صرف‌نظر از مقررات بند (۱)، حقوق بازنشستگی و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه پرداختی توسط یک دولت متعاقد یا تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلی آن یا از محل صندوق

ایجاد شده از طرف آنها به فرعی در خصوص خدماتی که برای آن دولت یا تقسیم فرعی یا مقام مزبور انجام داده است فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.
بدیهه آنکه چنین حقوق بازنگشتگی و سایر حقوق جمعهای مشابه تنها در دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات خواهد بود مشروط بر آنکه فرد مقیم و تبعه آن دولت باشد.
۳- در مورد حقوق دستمزد و حقوق بازنگشتگی و سایر حقوق جمعهای مشابه مالیات خدمات ارائه شده در خصوص فعالیت های تجاری که یک دولت متعاقد یا تقسیم فرعی سیاسی یا مقام محلی آن انجام می دهد مقررات مواد (۱۴)، (۱۵)، (۱۶) و (۱۷) مجری خواهد بود.

ماده ۱۹- محصلین

وجوهی که محصل یا کارآموزی که صرفاً برای تحصیل یا کارآموزی در یک دولت متعاقد به سر می برد و مقیم دولت متعاقد دیگر است یا بلافاصله قبلی از عزمست به دولت محل تحصیل خود مقیم آن دولت دیگر برود است برای مخارج زندگی، آموزش یا کارآموزی خود دریافت می کند، مشمول مالیات دولت نخست نخواهد شد مشروط به آنکه چنین وجوهی از منابع خارج از آن دولت حاصل شود.

ماده ۲۰- سایر درآمدها

۱- اقلام درآمد مقیم یک دولت متعاقد که در مواد قبلی این موافقتنامه مورد حکم قرار نگرفته است در مرکبها که حاصل شود، صرفاً مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.
۲- پلمنت های درآمد حاصل از اموال غیرمقول به نحوی که در بند (۲) ماده (۶) تعریف شده است، هرگاه دریافت کنند، این درآمد مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر از طریق مقرر قائم واقع در آن به کسب و کار بپردازد و حق یا اموالی که درآمد در خصوص آن پرداخت شده است با این مقررات به نحو مؤثری مرتبط باشد، مقررات بند (۱) مجری نخواهد بود در این صورت مقررات ماده (۷) اعمال خواهد شد.

ماده ۲۱- روش حذف مالیات مضاعف

۱- در مورد مقیم جمهوری اسلامی ایران مالیات مضاعف به شرح زیر حذف خواهد

شد:

در صورتی که مقیم جمهوری اسلامی ایران درآمدی حاصل کند که طبق مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات جمهوری چک شود، دولت جمهوری اسلامی ایران اجازه خواهد داد مالیاتی بر این درآمد پرداختی در جمهوری چک، از مالیات بر درآمد آن مقیم

کسر شود مع ذلک، این گونه کسورات نباید از میزان مالیاتی که پیش از کسر به درآمد مشمول مالیات جمهوری چک تعلق می گرفته، بیشتر باشد.

۲- با رعایت مقررات فوقین جمهوری چک در خصوص حذف مالیات مضاعفه در مورد مقیم جمهوری چک، مالیات مضاعفه به شرح زیر حذف خواهد شد:

جمهوری چک، به هنگام وضع مالیات بر اشخاص مقیم خود، می تواند در پایه مالیاتی که مالیاتها نسبت به آن وضع می شود، تقاضای کسر درآمد را بکند که به موجب مقررات این موافقتنامه می تواند مشمول مالیات جمهوری اسلامی ایران نیز شود، اما اجازه نخواهد داد مبلغی برابر با مالیات پرداختی در جمهوری اسلامی ایران از مبلغ مالیات محاسبه شده نسبت به پایه مربوط، کسر شود. مع ذلک، این گونه کسور نباید از میزان مالیات چک که پیش از کسر، متناسب با درآمد مشمول مالیات جمهوری اسلامی ایران به موجب مقررات این موافقتنامه تعلق می گرفته، بیشتر باشد.

۳- در صورتی که طبق هر یک از مقررات این موافقتنامه درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از مالیات آن دولت معاف باشد، دولت مزبور می تواند علی رغم معافیت، در محاسبه مالیات بر باقی مانده درآمد این مقیم، درآمد معاف شده را منظور کند.

ماده ۲۲- عدم قیودی

۱- اتباع یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر، مشمول هیچ گونه مالیات یا الزامات مربوط به آنکه سنگین تر یا خیر از مالیات یا الزاماتی است که اتباع آن دولت متعاقد دیگر تحت همان شرایط، به ویژه به لحاظ نظام مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند نخواهند بود. علی رغم مقررات ماده (۱) این مقررات شامل اشخاصی که مقیم یک یا هر دو دولت متعاقد نیستند نیز نخواهد بود.

۲- مالیاتی که از مقررات مؤسسه یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر اخذ می شود نباید از مالیات مؤسسه آن دولت دیگر که همان فعالیتها را انجام می دهند نامساعدتر باشد. این مقررات به گزینهای تعهده نخواهد شد که یک دولت متعاقد را ملزم نماید که خروج مزایای شخصی، به شمول و تخطیف مالیاتی را که به علت احوال شخصی یا مسئولیت های خانوادگی به اشخاص مقیم خود اعطاء می نماید به اشخاص مقیم دولت متعاقد دیگر نیز اعطاء کند.

۳- به جز در مواردی که مقررات بند (۱) ماده (۱)، بند (۲) ماده (۱۱) یا بند (۱) ماده (۱۲) اعمال می شود، هزینه های مالی، حق الامتیاز و سایر هزینه های پرداختی توسط مؤسسه یک دولت متعاقد به مقیم دولت متعاقد دیگر از لحاظ تعیین میزان درآمد مشمول مالیات آن



مؤسسه تحت همان شرایط قابل کسر خواهد بود که چنانچه به مقیم دولت نخست پرداخت شده بود

۴- مؤسسات یک دولت متعاهد که سرمایه آنها کلاً یا جزاً بهطور مستقیم یا غیرمستقیم در مالکیت یا در کنترل یک یا چند مقیم دولت متعاهد دیگر می باشد در دولت نخست مشمول هیچ گونه مالیات یا الزامات مربوط به آنکه سنگین تر یا غیر از مالیات و الزاماتی است که سایر مؤسسات مشابه در آن دولت نخست مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند نخواهند شد.

۵- علی رغم مقررات ماده (۲)، مقررات این ماده نسبت به مالیات های از هر نوع و نوعی که اعمال خواهد شد.

ماده ۲۲- آیین توافق دوجانبه

۱- در صورتی که شخصی بر این نظر باشد که اقدامات یک یا هر دو دولت متعاهد در مورد وی از لحاظ مالیاتی منتج به ناهنجاری شده یا خواهد شد که متعلق به مقررات این موافقتنامه نمی باشد صرف نظر از طرف الحاق حق پیش بینی شده در قوانین داخلی دولتهای مزبور می تواند اعتراض خود را به مقام صلاحیتدار دولت متعاهدی که مقیم آن است یا چنانچه مورد او مشمول بند (۱) ماده (۲۲) باشد به مقام صلاحیتدار دولت متعاهدی که نه آن است تسلیم نماید اعتراض باید ظرف مدت سه سال از تاریخ نخستین اطلاع از اقدامی که به اعمال مالیات مغایر با مقررات این موافقتنامه منتهی شده تسلیم شود.

۲- اگر مقام صلاحیتدار اعتراض را موجه یابد ولی خود نتواند به واسطه مناسبی برسد برای اجتناب از اخذ مالیاتی که مطلقاً این موافقتنامه نمی باشد خواهد کوشید که از طریق توافق متقابل با مقام صلاحیتدار دولت متعاهد دیگر موضوع را فیصله دهد.

۳- مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاهد تلاش خواهند کرد که کلیه مشکلات یا شبهات ناشی از تفسیر یا اجرای این موافقتنامه را با توافق دوجانبه فیصله دهند و همچنین می توانند به منظور حذف مالیات مضاعف در مواردی که در این موافقتنامه پیش بینی نشده است با یکدیگر مشورت کنند.

۴- مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاهد می توانند به منظور حصول توافق در موارد بندهای پیشین مستقیماً از جمله از طریق کمیسیون مشترک متشکل از خود یا نمایندگان خود یا یکدیگر لایحه حاصل کنند.

ماده ۲۴- تبادل اطلاعات

۱- مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد اطلاعاتی را که به گونه قابل پیش بینی، مرتبط برای اجرای مقررات این موافقتنامه یا برای اجراء یا اعمال قوانین داخلی غیرمنافی با این موافقتنامه که مربوط به کلیات های از هر نوع و هر توصیفی باشد که از طرف دولت های متعاقد یا تقسیمات فرعی سیاسی یا مقامات محلی آنها وضع شده باشد، مبادله خواهند کرد. مفاد مواد (۱) و (۲) موجب تحدید تبادل اطلاعات مزبور نمی شود.

۲- هر نوع اطلاعات دریافتی به موجب بند (۱) که به وسیله یک دولت متعاقد دریافت می شود، به همان شیوه ای که اطلاعات به دست آمده تحت قوانین داخلی آن دولت نگهداری می شود به صورت محرمانه تلقی خواهد شد و فقط برای اشخاص یا مقامات (از جمله دادگاه ها و مراجع اداری) که به امر تشخیص و وصوله اجراء یا پیگیری اشتغال دارند یا در مورد پژوهش های مربوط به مالیات های مذکور در بند (۱) یا نظارت بر موارد فوق تصمیم گیری سرکنده فاش خواهد شد. اشخاص یا مقامات یادشده اطلاعات را فقط برای چنین مقاصدی مورد استفاده قرار خواهند داد. آنان می توانند این اطلاعات را در جریان فلهر س های علمی دادگاه ها یا طی تصمیمات قضائی فاش سازند.

۳- مقررات بندهای (۱) و (۲) در هیچ مورد به نحوی تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاقد را وادار سازد:

الف- اقدامات فلهری منافی با قوانین و رویه داخلی خود یا دولت متعاقد دیگر اتخاذ نماید.

ب- تبادل اطلاعاتی را فراهم نماید که طبق قوانین یا روش اداری متعارف خود یا دولت متعاقد دیگر قابل تحصیل نیست.

پ- اطلاعاتی را فراهم نماید که منجر به فاشی هر نوع اسرار تجاری، علمی، صنعتی، بازرگانی یا حرفه ای یا فرایند تجاری شود یا فاشی آن خلاف خط مشی عمومی نظم عمومی باشد.

۴- چنانچه مطابق این ماده اطلاعات توسط دولت متعاقدی درخواست شود، دولت متعاقد دیگر اقدامات جمع آوری اطلاعات خود را به منظور حصول و تبادل اطلاعات درخواستی به کار خواهد گرفت. اگرچه آن دولت دیگر ممکن است به چنین اطلاعاتی اثر حیث مقاصد ملیاتی خود نیز نداشته باشد.

ماده ۲۵- اعضای هیاتهای نمایندگی و مأموریت‌های سیاسی و مناصب کنسولی مقررات این موافقتنامه بر اختیارات مالیاتی اعضای هیاتهای نمایندگی و مأموریت‌های سیاسی یا مناصب کنسولی که به موجب توافق عمومی حقوق بین‌الملل یا مقررات موافقتنامه‌های خاص از آن برخوردار می‌باشند، تغییری نخواهد گذاشت.

ماده ۲۶- لازم‌الاجراء شدن

هر یک از دولت‌های متعلق از طریق مجلری دیپلماتیک، دولت دیگر را از تکمیل شرایط لازم به موجب قانون داخلی خود برای لازم‌الاجراء کردن این موافقتنامه مطلع خواهد ساخت. این موافقتنامه در تاریخ آخرین اطلاعیه لازم‌الاجراء خواهد شد و مقررات آن لازم‌الاجراء خواهد بود.

نقشه در مورد مالیات‌های تکلیفی، نسبت به درآمدی که در اولین روز سال تقویمی متعلق سالی که در آن این موافقتنامه لازم‌الاجراء شده است یا پس از آن، پرداخت شده یا اعتبار داده شده است.

بعد از مورد سایر مالیات‌های بر درآمد، نسبت به درآمد در هر سال مشمول مالیات که در اولین روز سال تقویمی متعلق سال لازم‌الاجراء شدن این موافقتنامه یا پس از آن شروع می‌شود.

ماده ۲۷- فسخ

این موافقتنامه تا زمانی که توسط یک دولت متعاهد فسخ نشده لازم‌الاجراء خواهد بود. هر یک از دولت‌های متعاهد می‌تواند این موافقتنامه را از طریق مجلری سیاسی، یا ارائه یادداشت فسخ حداقل ششماه قبل از پایان هر سال تقویمی بعد از دوره پنجاهه از تاریخی که موافقتنامه لازم‌الاجراء می‌گردد، فسخ نماید. در این صورت این موافقتنامه در موارد زیر ابطال نخواهد شد:

الف- در مورد مالیات‌های تکلیفی نسبت به درآمدی که در اولین روز سال تقویمی متعلق سالی که در آن یادداشت ارائه شده است یا پس از آن، پرداخت شده یا اعتبار داده شده است.

بعد از مورد سایر مالیات‌های بر درآمد، نسبت به درآمد در هر سال مشمول مالیات که در اولین روز سال تقویمی متعلق سالی که در آن یادداشت ارائه شده است یا پس از آن شروع می‌شود.



بسم الله الرحمن الرحيم

شماره: ۵۹۳/۱۰۷۲

تاریخ: ۱۳۹۵/۰۱/۱۷

این موافقتنامه دو برابر در دو نسخه دو تایی در تاریخ ۱۳۹۵/۰۲/۱۰ هجری شمسی برابر با ۲۰۱۵/۰۱/۳۰ میلادی به زبانهای فارسی، چکی و انگلیسی تنظیم گردید که همه متون فوقالذکر یکسان بر مبنای اصل است و صورت هرگونه اختلاف بین متون فارسی و چکی، متن انگلیسی حاکم خواهد بود.

از طرف دولت
جمهوری چکی
آندره بابیس
وزیر دارایی

از طرف دولت
جمهوری اسلامی ایران
دکتر علی طیبپا
وزیر امور اقتصادی و دارایی

تشریفات (پروتکل)

در زمان اقامت مراجعات بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری چک به منظور اجتناب از ایجاد ملاحظات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیاتهای بر درآمد اعضاء کنگره زیر در مورد مقررات زیر که جزء لاینفک موافقتنامه مذکور می باشد به توافق رسیدند:

۱- هیچ یک از طرف این موافقتنامه ملزم هر یک از دو دولت متعاقد برای احوال مقررات قوانین داخلی خود که با هدف جلوگیری از تفرند یا فرار مالیاتی می باشد نخواهد شد.

۲- در خصوص ماده (۲۴) (تبادل اطلاعات)، بدین است که هیچ یک از طرف (۲) این گونه تلقی نخواهد شد که به یک دولت متعاقد اجازه دهد صرفاً به این لحاظ که اطلاعات نزد بانکها سایر مؤسسات مالی، نماینده یا شخصی که در جایگاه نمایندگی یا امین مالی فعالیت می کند نگهداری می شود یا به دلیل مرتبط بودن به منابع مالکانه یک شخص از ارائه اطلاعات مزبور امتناع کند.

در هر ساله اعمال بند فوق الذکر در هر دو دولت به اصلاحات قانونی قوانین و مقررات داخلی مربوطه که در سال حاضر مابین تبادل چنین اطلاعاتی در جمهوری اسلامی ایران است بستگی دارد. مقام صلاحیتدار جمهوری اسلامی ایران بدون تأخیر مقام صلاحیتدار جمهوری چک را از تحقق شرایط لازم برای اعمال این مقررات مطلع خواهد نمود.

این تشریفات (پروتکل) دو برابر در دو نسخه در تاریخ ۱۳۹۵/۱۰/۲۴ هجری شمسی برابر با ۲۰۱۵/۱۰/۲۴ میلادی به زبانهای فارسی، چکی و انگلیسی تنظیم گردید که همه متون فوق اعتبار یکسان برخوردار است. در صورت هرگونه اختلاف بین متون فارسی و چکی، متن انگلیسی حاکم خواهد بود.

از طرف دولت	از طرف دولت
جمهوری چک	جمهوری اسلامی ایران
آندره بایس	دکتر علی طه پنهان
وزیر خارجه	وزیر امور اقتصادی و دارایی